

دستگیری زوج قاچاقچی

مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر در دو عملیات جداگانه از یک مرد و زوج جوانی ۱۲۶کیلوگرم هروئین و تریاک کشف کردند.

به گزارش جوان، به گفته رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر پایتخت مأموران در نخستین عملیات از مخفیگاه مردی در محله سعادت آباد مقدار ۴۹کیلو و ۶۰۰گرم هروئین کشف کردند.این متهم مواد مخدر را از استان‌های شرقی به تهران منتقل کرده‌بود و قصد توزیع مواد را در بین خرده‌فروشان داشت، دستگیر شد. در دومین عملیات هم مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر با همکاری پلیس استان چهار محال و بختیاری از خودروی زوج جوانی مقدار ۷۶کیلو و ۷۰۰گرم تریاک در ورودی شهرستان بروجرد که قصد داشتند مواد را به تهران منتقل کنند، کشف کردند.

سرهنگ محمد بخشنده گفت: دو متهم پس از انتقال به اداره پلیس به جرم خود اعتراف کردند. متهمان برای ادامه تحقیقات در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.

موبایل قاپان موتور سوار به دام افتادند

دو سارق حرفه‌ای که در خیابان‌های مرکزی و جنوبی تهران اقدام به موبایل قاپی می کردند در دام مأموران گرفتار شدند. به گزارش جوان، چندی قبل مردی به کلانتری ۱۱۷ جوادیه به رفت واز دو پسر موتور سوار به اتهام سرقت موبایلش شکایت کرد. شاکی گفت: داخل خیابان در حال حرف زدن با موبایلم بودم که موتور سیکلتی با دو سر نشین به من نزدیک شد و در یک لحظه موبایلم را قاپیدند و از محل فریختند. وی در ادامه گفت:موتورسیکلت سارقان پلاک انتظامی نداشت.

مأموران در ادامه تحقیقات با شکایت‌های مشابه و متعددی روبه‌رو شدند که حکایت از این داشت دو پسر جوان که موتورسیکلت آنها فاقد پلاک انتظامی است گوشی موبایل شهروندان را در خیابان‌های مرکزی و جنوبی تهران سرقت می کنند.

در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می شد مأموران برای شناسایی و دستگیری سارقان اقدام به گشت‌زنی‌های هدفمند کردند تا اینکه در ساعت یک بامداد چهارشنبه سوم مهرماه هنگام گشت‌زنی در محدوده خیابان فدائیان اسلام به راکب و سر نشین موتور سیکلت بدون پلاکی که در حال پرسه زدن بودند، مشکوک شدند. بدین ترتیب مأموران دو پسر موتور سوار را دستگیر و در بازرسی بدنی از آنها چهار دستگامه موبایل و یک دستگاه تبلت سرقتی کشف کردند.

دو متهم پس از انتقال به کلانتری به ۲۱فقره سرقت گوشی تلفن همراه در محدوده خیابان‌های خزانه، دستواره، نازی آباد و هزار دستگاه از شهروندان اعتراف کردند.

سرهنگ دوستعلی جلیلیان سرر کلانتر هفتم پایتخت با اعلام این خبر گفت: تحقیقات از دو متهم به دستور قاضی پرونده از سوی مأموران ادامه دارد.

شرور محله ابوذر در چیتگر به دام افتاد

شرور محله ابوذر در جنوب تهران که با عریه‌کشی باعث رعب و وحشت شهروندان شده بود در مخفیگاهش در چیتگر بازداشت شد.

به گزارش جوان، چند روز قبل به مأموران پایگاه هشتم پلیس امنیت پایتخت خبر رسید که مرد شروری در محل ابوذر پا ایجاد درگیری با عریه‌کشی امنیت محله را بهم ریخته و باعث رعب و وحشت شهروندان شده‌است. پس از اعلام این خبر تیمی از کارآگاهان پلیس امنیت برای دستگیری متهم وارد عمل شدند که در یافتند شرور معروف همراه با تعدادی از نوجوهایش پس از شرارت و درگیری با شهروندان از محل فریخته‌است.

بدین ترتیب مأموران تحقیقات خود را برای شناسایی مخفیگاه متهم آغاز کردند تا اینکه در نهایت وی را در مخفیگاهش حوالی چیتگر به دام انداختند.

سرهنگ صادق قره‌باقری، رئیس پایگاه هشتم پلیس امنیت عمومی پایتخت با تأکید بر اینکه پلیس با هر گونه بی نظمی و مخل نظم و امنیت عمومی مبارزه خواهد کرد، گفت: مأموران در مخفیگاه متهم شش قبضه سلاح سرد کشف کردند. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

۵۳ کشته و ۱۰۶ زخمی در ۲ روز تیراندازی‌های امریکا!

در تیراندازی‌های اخیر امریکا در مدت دو شبانه روز ۵۹ نفر در ایالت مختلف کشته و زخمی شدند.

به گزارش تسنیم، بر اساس گزارش مرکز ثبت آمار خسوت‌های مسلحانه در امریکا، تنها در ۲۴ ساعت تعداد ۱۱۶ مورد تیراندازی در ایالت‌های مختلف امریکا ثبت شده‌است که بر اثر این تیراندازی‌ها، ۳۳ نفر کشته و ۷۲ نفر زخمی شده‌اند.

از سوی دیگر گاردین گزارش داد: در طول ۴۸ ساعت ۱۸۰ مورد تیراندازی در شهرها و ایالت‌های مختلف امریکا انجام شده‌است که در نتیجه این تیراندازی‌ها ۳۳ نفر کشته و ۱۰۶ نفر زخمی شده‌اند.

در یکی از تیراندازی‌ها در شهر «پورث ریج» در کالیفرنیا، سه نفر کشته شده‌اند و در دو تیراندازی دیگر در شهرهای مپلوآکی و ویسکانسین دو نوجوان زخمی شدند. همچنین پلیس شهر «پالم دیزرت» در ایالت کالیفرنیا نیز از کشته شدن دو نفر در این شهر خبر داد.

در دو تیراندازی دیگر نیز در شهر «فریدی» در ایالت «لوئیزیانا» و در شهر «یورک» در ایالت «پنسیلوانیا» چهار نفر کشته شدند.



فقط در گروهمتهم زن

خودت را معرفی کن؟ شهنین هستم ۳۰ساله.

چه شد که سارق شدی؟ از بخت بدم.

چرا بخت بد؟

چند سال قبل خانواده‌ام مرا به زور به عقد

پسر جوانی در آورند که اصلا او را دوست نداشتم.

هفت‌سال با هم زندگی کردیم، اما زندگی ما بیشتر از این دوام پیدا نکرد و در نهایت از هم جدا شدیم. پس از این برای فرار از حرف‌ها و کتایه‌های فامیل و همسایه‌ها از شهرستان به تهران آمدم که از بخت بدم با شاهرخ که سارق بود آشنا شدم و وقتی فهمید عاشق او شدم مرا عقد کرد و از آن روز به بعد با هم به

سرقت می‌رفتم.

چطور با شاهرخ آشنا شدی؟

مدتی در تهران کار می‌کردم تا اینکه روزی با خودروی شاهرخ تصادف کردم و آشنایی ما از آن روز آغاز شد و در نهایت هم عاشق هم شدیم و سر نوشت ما این شد که الان به جای حلقه از دواج در دستانمان دستبند زده شده‌است.

چرا وقتی فهمیدی شاهرخ سارق است نامزد او شدی؟

من خبر نداشتم. روز تصادف یکی از پاهایم مقداری

حجوات

سرویس حوادث۴ ۸۸۹۸۴۳۵

دزد عنکبوتی که هم‌راه نامزدش به خانه‌های شمال تهران دستبرد می‌زد در بزم شبانه‌ای را ز سرقت‌های سریالی‌اش را ابرای دوستانش برملا کرد و در دام مأموران گرفتار شد.

به گزارش جوان، چندی قبل مأموران پلیس پایتخت در جریان سرقت‌های سریالی از آپارتمان‌های مسکونی در شمال تهران قرار گرفتند. بررسی‌های مأموران نشان داد تمامی سرقت از آپارتمان‌ها

آسیب دید که شاهرخ مرا به بیمارستان رساند. او به من دروغ گفت که مهندس است و وضع مالی خوبی دارد. البته من هم به او دروغ گفتم و سر نوشت زندگی‌ام را بر اساس رؤیاهایم تعریف کردم که بعد از مدتی دست هر دویمان رو شد.

چطور ی؟

یک شب که با هم در یکی از خیابان‌های شمالی تهران دور می‌زدیم به من گفت دوست داری از بالکن این خانه بالا برود و وسایل قیمتی خانه‌شان را سرقت کنی. من فکر کردم شوخی می‌کنند که به او گفتم نمی‌توانی اما او شرط‌بندی کرد و از من خواست داخل خودرو منتظر او باشم. شاهرخ مثل عنکبوت از دیوار بالا رفت و دقایقی بعد در حالی که مقدار زیادی طلا همراه داشت به داخل خودرو برگشت. بعد از این فهمیدم که او سارق است و به راحتی مثل عنکبوت از در و دیوار خانه بالا می‌رود و اموال شهروندان را سرقت می‌کند.

چرا وقتی فهمیدی از او جدا نشدی؟

من عاشق او بودم و جدایی‌ا از شاهرخ برای من ممکن نبود.

درباره سرقت‌ها توضیح بده؟

مادونفری در خیابان‌های شمالی تهران با خودرو دور

طبقه اول و دوم ساختمان‌هایی صورت گرفته‌است که بالکن دارند. مأموران در یافتند با سارقان حرفه‌ای بالکن‌روی روبه‌رو هستند که در نبود صاحبخانه از طریق بالکن اقدام به سرقت اموال شهروندان از خانه‌هایشان می‌کنند. در حالی که هر روز مأموران با شکایت‌های مشابه‌ای روبه‌رو می‌شوند مرد ناشناسی به اداره پلیس رفت و سارقان بالکن‌روی را که زوج جوانی به نام‌های شاهرخ و شهنین بودند به مأموران

دور می‌زدیم و آپارتمان‌هایی که چراغش خاموش بود شاهرخ زنگ آن را می‌زد و اگر صاحبخانه جواب نمی‌داد شاهرخ از طریق بالکن وارد خانه می‌شد و اموال قیمتی را سرقت می‌کرد.

شما در سرقت‌ها چه وظیفه‌ای داشتی؟
من فقط داخل خودرو می‌ماندم و زاغرتی می‌کردم و اگر به مورد مشکوکی بر می‌خوردم با چهار پویق بیابای او را با خبر می‌کردم.

اموال سرقتی را چه کار می‌کردید؟

بیشتر طلا و پول سرقت می‌کردیم. معمولاً طلاها را من در بازار می‌فروختم و پولش را به شاهرخ می‌دادم.

فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

نه.

چرا؟

چون شاهرخ خیلی حرفه‌ای بود و از طرفی هم رانندگی‌اش خیلی خوب بود. حتی یکبار در تعقیب و گریزی که با مأموران داشتیم او موفق به فرار از دست مأموران شد. البته آن شب وقتی از دام مأموران گریختم خودروی ما واز گون شد، هر چند خیلی ترسیده بودم اما اسپینی به ما ترسید.

پس چطور ی دستگیر شدید؟

یکی از دوستان شاهرخ ما را لو داد.

بزم شبانه دزد عنکبوتی را به دام انداخت

معرفی کرد. پس از این مأموران به دستور قاضی علی وسیله ایرد موسی، باز پرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت زوج سارق را شناسایی و دستگیر کردند.

دو متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی از آپارتمان‌های مسکونی اعتراف کردند. متهمان در ادامه برای تحقیقات بیشتر به دستور باز پرس پرونده در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

توضیح بده؟

دوست شاهرخ عاشق من شده بود به همین خاطر شاهرخ را لو داد که به زندان بیفتد و بتواند با من ازدواج کند.

از کجا خبر داشت که شما سرقت می‌کنید؟

شاهرخ در یک مهمانی شبانه مقدار زیادی مشروب خورده بود و حالت عادی نداشت آن شب همه مهمان‌ها خاطر‌های خود را برای یکدیگر تعریف می‌کردند که شاهرخ هم به خاطر اینکه از دوستانش کم نیاورد سرقت‌های سریالی‌اش را برای آنها تعریف کرد و گفت مثل عنکبوت از در و دیوار مردم بالا می‌رود. آن شب دوست شاهرخ هم آنجا بود و وقتی فهمید ما به سرقت می‌رویم موضوع را به مأموران پلیس خبر داد.

بعد چه شد؟

من و شاهرخ خبر نداشتیم که او ما را لو داده‌است. چند شب قبل از خانه‌هایم بیرون آمدیم تا مثل همیشه برای سرقت به خیابان‌های بالای شهر برویم که مأموران را محاصره و دستگیر کردند.

حرف آخر؟

با تصمیم‌های نادرست زندگی‌ام را تباه کردم. کاش از شهرستان به تهران نمی‌آمدم.



پرداخت دیه شرط آزادی مرد همسرش

مردی که ۹ سال قبل همسرش را به خاطر اختلاف خانوادگی در همدان به قتل رسانده بود در صورتی که دیه همسرش را پرداخت کند از زندان آزاد می‌شود.

به گزارش جوان، رسیدگی به‌این پرونده از روز هفدهم اس‌ال‌بان ۸۹ همزمان با قتل زن جوانی در یکی از باغ‌های اطراف شهرستان همدان از نسوی مأموران پلیس آغاز شد. آن روز مأموران در محل حادثه با جسد زن جوانی به نام کبری روبه‌رو شدند که باصابت ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

بررسی‌های مأموران نشان داد مقتول همراه شوهرش که ابرج نام دارد به‌این باغ آمده بود که به قتل می‌رسد. از سوی دیگر مشخص شد مقتول و شوهرش از چندی قبل با هم اختلاف داشته‌اند و قرار بوده به زودی در دادگاه از هم جدا شوند. بدین ترتیب مأموران شوهر مقتول را به عنوان مظنون حادثه دستگیر کردند.

متهم پس از دستگیری با اظهار پشیمانی به قتل همسرش اعتراف کرد وی گفت: همسرم دختر دایی من بود. از همان ابتدای ازدواج ما با هم اختلاف پیدا کردیم. خیلی تلاش کردیم با هم سازگار شویم اما فایده‌ای نداشت تا اینکه قرار گذاشتیم از هم جدا شویم. به همین خاطر به دادگاه رفتم و درخواست طلاق دادیم. اما بعضی از بزرگان و بستگان نزدیک پا در میان کردند و ما را آشتی دادند. بدین ترتیب جدایی ما منتفی شد و دوباره به ماشیرین نشد و از طرفی هم اختلافات ما بیشتر شد تا اینکه چند روز قبل از حادثه برای بار دوم به دادگاه رفتم و درخواست طلاق دادیم. قرار بود به زودی از هم جدا شویم که یکی از بستگانم حرف‌هایی به من گفت که باعث شد به همسرم سوظن پیدا کنم. هر ساعت حرف‌های مرد آشنا رادر ذهنم مرور می‌کردم به طوری که به شدت از دست همسرم عصبانی بودم. به همین سبب روز حادثه همسرم را به باغی در اطراف شهر بردم تا با هم حرف بزنیم. آن روز موضوع را به همسرم گفتم که حرف‌های او مرا به شدت عصبانی تر کرد و در نهایت او را با چاقو به قتل رساندم.

متهم پس از اعتراف به قتل با درخواست اولیای دم از سوی هیئت قضایی به قصاص محکوم شد و پرونده آن پس از تأیید در یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور برای اجرا به شعبه اجرای احکام استان فرستاده شد. در حالی که متهم در یک قدمی چوپه دار قرار داشت اولیای دم بامیانجیگری هیئت صلح و سازش اعلام کردند در صورتی که متهم دیه مقتول را پرداخت کند رضایت می‌دهند. براساس این گزارش متهم که در حال حاضر از کار خود پشیمان است تاکنون موفق شده‌است مبلغ ۰۱ میلیون تومان از دیه کامل یک انسان را فراهم کند و در صورتی که مابقی دیه را فراهم و به اولیای دم پرداخت کند به زودی از زندان آزاد می‌شود.

سرقت در آذربایجان شرقی دستگیری در تهران

سه سارق که خودروی سواری را برای راز استان آذربایجان شرقی سرقت کرده بودند در تهران به دام افتادند.

به گزارش جوان، ساعت ۱۶:۳۵ روز پنج‌شنبه چهارم مهر مأموران کلانتری ۱۲۵ آزادی هنگام گشت‌زنی در خیابان گل‌ها به خودروی سواری پرایدی که سه‌مرد جوان داخل آن نشسته بودند، مشکوک شدند. مأموران پس از استعمال پلاک خودرو از سامانه پلیس متوجه شدند یک روز قبل خودروی سواری از استان آذربایجان شرقی سرقت شده‌است. بدین ترتیب مأموران برای دستگیری سارقان وارد عمل شدند. اما سارقان با دیدن مأموران اقدام به فرار کردند. مأموران پس از تعقیب و گریز کوتاهی خودروی سرقتی را متوقف و راننده و دو سر نشین آن را دستگیر کردند.

سرهنگ فرهاد حدیدی، رئیس کلانتری ۱۲۵ آزادی با اعلام این خبر گفت: هر سه متهم پس از انتقال به کلانتری به جرم خود اعتراف کردند. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

قتل پدر سالخورده به خاطر ۳ دانگ آپارتمان خیابان فرشته

و شوهرم را به بیمارستان منتقل کردیم، اما دو روز بعد فوت کرد. با بدست آمدن این اطلاعات تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به دستور باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران تحقیقات خود را برای دستگیری قاتل آغاز کردند تا اینکه روز سه‌شنبه دوم مهرماه متهم را که در خانه یکی از دوستانش در حوالی جنت آباد مخفی شده بود شناسایی و دستگیر کردند.

متهم پس از انتقال به اداره آگاهی با اعتراف به قتل پدرش گفت: من و پدرم شرارتی آپارتمانی در خیابان فرشته داشتیم که چند سال قبل پدرم آن را فروخت و پولی به من نداد. به خاطر همین موضوع چند سالی است من و پدرم اختلاف مالی داریم. من از او می‌خواستم حقم را بدهد اما پدرم امروز و فردا می‌کرد به همین سبب با هم مشاجره لفظی داشتیم.

۱۹ شهپور از خارج به ایران آمد تا حقم را بگیرم اما پدرم به من پولی نمی‌داد تا اینکه روز حادثه دوباره با پدرم در مورد این موضوع صحبت کردم که ناگهان شروع به فحاشی کرد. ابتدا سکوت کردم که با عیاض ضربه‌ای به سرم زد و من هم به او حمله کردم و او را اکت زدم.

در یک لحظه دیدم پدرم در حالی که صورتش خونین بود نقش بر زمین شده‌است که از ترس فرار کردم و چند روزی در خانه دوستم مخفی شده و سر انجام مأموران مرا دستگیر کردند.

سرهنگ کارآگاه علی گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: با توجه به دستگیری عامل جنایت و اعتراف صریح وی به قتل پدرش با انگیزه اختلاف مالی، متهم با صدور قرار قانونی از سوی باز پرس دادسرای امور جنایی تهران برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار کارآگاهان اداره دهم قرار گرفت.



کتک زد. از آنجایی که نمی‌توانست مانع کتک کاری پسرم شوم به داخل حیاط رفتم و از سرایداری درخواست کمک کردم. وقتی به خانه برگشتم دیدم همسر بی‌هوش و خونین روی زمین افتاده‌ است و از کمران هم خبری نیست. سپس با اورژانس تماس گرفتم

عاملان قتل وحید مرادی در ایستگاه محاکمه



درگیری بالا گرفت متوجه نشدم ضربه را چه کسی به او زد.»

پرخاوت دیه توانسته بود رضایت اولیای دم را جلب کند و در انتظار محاکمه از جنبه عمومی جرم قرار داشت. عباس هم به اتهام قتل وحید مرادی بازداشت شده بود اما جرمش را انکار کرد و گفت: «از روزی که وحید به زندان آمد برای همه کری می‌خواند و می‌گفت گفتارها باید پایین و شیرها باید بالا بنشینند. او همان روز ۰۵ نفر از نوجوهایش را که همگی چاقوی دست‌ساز و آب‌جوش همراه داشتند در آن شعبه پای میز محاکمه قرار خواهند گرفت.

قتل علی ۴۷ساله با اسلحه ساچمه‌ای در یک نزاع دسته‌جمعی به زندان منتقل شد. او که در انتظار محاکمه قرار داشت این بار برای سومین قتل تحت بازجویی قرار گرفت، اما جرمش را انکار کرد و گفت: «وحید خودش را عقاب ایران نامیده بود و برای سایر زندانیان خط و نشان می‌کشید. او فیلم کری خوانی‌هایش در شبکه‌های مجازی را منتشر کرده بود و قصد داشت به زندانبان حمله کند. من در درگیری حضور داشتم اما او را نکشتم و نمی‌دانم چه کسی قاتل است.»

دیگر متهم عباس نام داشت، او نیز سال ۸۵

پسری که پس از بازگشت از کانادا پدر سالخورده‌اش را به خاطر سه دانگ آپارتمان خیابان فرشته به قتل رسانده بود، دستگیر شد.

به گزارش جوان، ساعت ۲۳شامگاه یک‌شنبه سی و یکم شهپور امسال مأموران کلانتری ۰۳ گاندی با تماس تلفنی کارکنان بیمارستان شهدای تجریش از مرگ مشکوک مرد سالخورده‌ای با خبر و راهی محل شدند. مأموران روی تخت بیمارستان با چند مرد ۸۹ساله‌ای به نام شهرام روبه‌رو شدند که به گفته تیم پزشکی بر اثر اصابت جسم سختی به سرش به قتل رسیده بود. نخستین تحقیقات نشان داد مقتول دو روز قبل در حالی که بی‌هوش بوده از خانه‌اش در خیابان جردن برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است.

همچنین مشخص شد مقتول در درگیری با پسر میانسالی که به تازگی از کشور کانادا به ایران برگشته‌است به قتل رسیده‌است. مأموران ابتدا از خواهر مقتول تحقیق کردند. وی گفت: برادرم بیمار بود و همراه همسر سالخورده‌اش در آپارتمانی حوالی جردن زندگی می‌کردند. چند روز قبل پسرش کمران از کشور کانادا به ایران آمد تا اینکه دو روز قبل متوجه شدم برادرم در درگیری با

پسرش زخمی و برای درمان در بیمارستان بستری شده‌است. سپس مأموران از همسر مقتول تحقیق کردند. وی گفت: پسریم کانادا زندگی می‌کند و ۱۲ روز قبل از حادثه به ایران برگشت. او در این چند روز همیشه با پدرش به خاطر ارث و میراث مشاجره لفظی داشت تا اینکه روز حادثه که ۲۹ شهپور بود به خانه آمد و دوباره به خاطر ارث و میراث مشاجره لفظی کردند. او مدام به پدرش می‌گفت که چرا حق مران می‌دهی که دقایقی بعد درگیری آنها بالا گرفت و بعد از آن کمران به پدرش حمله ور شد و او را